

رسم تقدیم دختران به معابد در هند باستان: خاستگاه و تداوم آن در دوره‌های برهمنی و هندوئی

فرشته فرهادیان^۱، میرزا محمد حسنی^۲

۱- farhadian581@gmail.com

۲- mirzamohamadhassani@iaui.ac.ir

چکیده

این پژوهش به بررسی رسم تقدیم دختران به معابد در هند باستان با تأکید بر خاستگاه و تداوم آن می‌پردازد. شواهد گویای آن است که این رسم برای نخستین بار در معبد «اینانا» در دولت - شهر سومری «اوروک» پدید آمد و سپس به سایر تمدن‌های بین‌النهرین و تمدن‌های همجوار با آن از جمله هند راه یافت. هر چند این رسم در میان این تمدن‌ها بخشی از آداب، رسوم و شعائر دینی و مذهبی آنان به شمار می‌رفته است؛ اما تاکنون پژوهشی مستقل درباره علل رواج این رسم در معابد هند باستان، خاستگاه آن و چگونگی تأثیرپذیری آن از تمدن‌های بین‌النهرینی و تداوم آن تا دوره‌های برهمنی و هندوئی انجام نشده است. این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و بر پایه داده‌های تاریخی، یافته‌های باستان‌شناختی و اسطوره‌های برجای مانده از آن دوران به بررسی خاستگاه رسم تقدیم دختران به معابد در هند باستان پرداخته و می‌کوشد به این پرسش‌ها پاسخ دهد که این رسم چرا در معابد این تمدن رواج یافته است؟ چگونه و از چه طریقی از تمدن بین‌النهرین به این تمدن راه یافته است؟ چه عواملی در تداوم آن تا دوره‌های برهمنی و هندوئی مؤثر بوده‌اند؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این رسم احتمالاً از طریق ارتباط‌های تجاری هند با تمدن‌های بین‌النهرینی به‌ویژه سومر و نیز مهاجرت دسته‌ای از سومریان به هند به این سرزمین راه یافته است. همچنین وابستگی شیوه زندگی ساکنان این سرزمین به کشاورزی و اهمیت باروری و حاصلخیزی زمین، زمینه رواج این رسم در هند باستان و تداوم آن را تا دوره‌های برهمنی و هندوئی فراهم ساخته است.

واژگان کلیدی: رسم تقدیم دختران، معابد، هند باستان، بین‌النهرین باستان.

۱. مقدمه

محیط طبیعی و اوضاع جغرافیایی هر منطقه، یکی از بنیادی‌ترین عوامل شکل‌گیری فرهنگ و شیوه زندگی در جوامع انسانی است. از این‌رو، در ریشه‌یابی آداب و رسوم، آیین‌ها، مناسک مذهبی، قوانین حاکم بر جوامع و اسطوره‌های رایج در آن‌ها، باید کمابیش نحوه ارتباط آن جوامع با طبیعت آن را جست‌وجو کرد. به همین دلیل در بیشتر جوامع باستانی، آداب و رسوم، آیین‌های مذهبی و اسطوره‌هایی پدید آمده‌اند که ارتباط مستقیمی با شرایط جغرافیایی و آب‌وهوایی آن سرزمین‌ها دارند. یکی از این آیین‌ها که با کشاورزی، باروری و حاصلخیزی زمین پیوند داشته، رسم تقدیم دختران به معابد است. هر چند این رسم از زمانی که بشر با زراعت آشنا شد در میان نخستین تمدن‌های بین‌النهرین به‌ویژه سومر وجود داشته است، شواهد از حضور آن در تمدن‌های همجوار، از جمله هند باستان نیز حکایت دارد. پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، این رسم را عمدتاً در قالب «نهاد دوداسی» یا «روسپیگری آیینی» بررسی کرده‌اند.

تازه‌ترین تحقیق در این زمینه را Bhuyan and Pradhan (2023) با عنوان *History of Devadasi in Odisha: Special Reference to Sacred Prostitution* انجام داده‌اند. نویسندگان در این پژوهش به رواج رسم دوداسی (روسپیگری) در سرتاسر معابد هند پرداخته و معتقدند که در هر کدام از نواحی هند این رسم با نام و اشکال مختلفی وجود داشته است. هرچند آنان در این بررسی به سابقه وجود این رسم در هندوستان پرداخته و وجود این رسم در معابد هند را به تمدن‌های دره سند نسبت می‌دهند و معتقدند که کشف مجسمه دختر رقص از موهنجودارو، احتمالاً نمایانگر رقصندگان و روسپیان معابد بوده‌اند؛ اما در این پژوهش هیچ اشاره‌ای به علل رواج این رسم در تمدن‌های دره سند نکرده‌اند.

Kaur and Tariq (2021) پژوهشی با عنوان *DEVADASI SYSTEM -THE SACRED PROSTITUTION* انجام داده‌اند. آنان معتقدند که سیستم دوداسی در هند در نتیجه توطئه بین طبقه سلطنتی و روحانیون و کاهنان ایجاد شده است. همچنین آنان اعتقاد دارند که وجود نظام دوداسی در معابد هند ناشی از وجود نظام کاست در هندوستان است. اما آنان در این پژوهش هیچ اشاره‌ای به سابقه تاریخی وجود این رسم در معابد هندوستان نکرده‌اند. Toori (2009) پژوهشی با این عنوان دارد: *Abuse of Lower Castes in South India: The Institution of Devadasi*. نویسنده در این اثر به تشریح رسم دوداسی پرداخته و معتقد است که دوداسی‌ها، روسپیان در معابد خدایان هستند که به علت تعلق داشتن به الوهیت، نمی‌توانند با یک مرد خاص ازدواج کنند. او معتقد است که اصطلاح دوداسی ریشه سانسکریت دارد و به معنای خدمتکار زن برای خدایان است و امروزه در مناطق مختلف هندوستان با نام‌های مختلفی شناخته می‌شوند. زیرا با توجه به متون «پوران» احتمالاً از قرن ۶ میلادی این رسم در سراسر هندوستان رایج بوده است. نویسنده در این پژوهش نیز وجود نظام کاست در هندوستان را عامل ایجاد این رسم دانسته است. او در این بررسی هیچ اشاره‌ای به سابقه تاریخی وجود این رسم و رواج آن در تمدن‌های دره سند ننموده است.

از جمله پژوهشگران ایرانی که تحقیقات معدودی راجع به این موضوع داشته‌اند پژوهش (سیفی ۱۳۹۶) با عنوان «آیین روسپیگری و روسپیگری آیینی» است. در این پژوهش هر چند محقق به موضوعی کمتر شناخته شده پرداخته و نقش روسپیگری

در جوامع باستانی همچون سومر، بابل، مصر، یونان و روم را مورد بررسی قرار داده و آن را به عنوان یکی از آیین‌ها و مناسک مذهبی این جوامع می‌دانند. اما نویسنده در این اثر به رواج این رسم در هند باستان پرداخته است.

«جامعه‌شناسی روسپیگری» (مدنی ۱۳۹۸) از پژوهش‌های دیگری است که در این زمینه انجام شده و در آن نویسنده ضمن تعریف روسپیگری و ذکر مصادیق آن و نیز بیان علت‌های وجود روسپیگری در دوران معاصر، گریزی نیز به مبحث روسپیگری در دوران باستان زده است. وی در این مبحث از وجود این رسم در معابد بابل، هند و یونان سخن رانده، اما به تأثیرپذیری این تمدن‌ها از یکدیگر و نیز تحلیل و ریشه‌یابی علت‌های وجود این رسم در بین این تمدن‌ها از جمله هند باستان پرداخته است. همچنین مکنون و عطایی (۱۳۸۴) در «فمینیسم و روسپیگری» منشأ این رسم را بین‌النهرین باستان دانسته‌اند، اما درباره رواج آن در بین تمدن‌های همجوار با بین‌النهرین بحثی ارائه نکرده‌اند.

با وجود پژوهش‌های انجام‌شده، تاکنون مطالعه‌ای مستقل و متمرکز درباره خاستگاه، زمینه‌های شکل‌گیری و رواج رسم تقدیم دختران به معابد هند باستان صورت نگرفته است. همچنین، پژوهش‌های پیشین به‌طور مشخص به علل پیدایش این رسم در تمدن‌های دره سند پرداخته و نقش باورها و اسطوره‌ها را نیز در تکوین و گسترش آن به‌صورت تحلیلی بررسی نکرده‌اند. از این‌رو، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که چه عوامل طبیعی، فرهنگی و اسطوره‌ای در شکل‌گیری و رواج این رسم در هند باستان نقش داشته‌اند و شواهد تاریخی، اسطوره‌ای و باستان‌شناختی تا چه اندازه از وجود آن در این تمدن حمایت می‌کنند؟ بر این اساس هدف پژوهش حاضر تبیین علل پیدایش و گسترش این رسم در تمدن هند باستان و تحلیل شواهد تاریخی و باستان‌شناختی مرتبط با آن است تا تصویری مستند و منسجم از جایگاه این آیین در فرهنگ و باورهای دینی هند باستان ارائه شود.

۲. موقعیت جغرافیایی هند

سرزمین هند در امتداد آسیای مرکزی به سمت جنوب و در اقیانوس هند کشیده شده است و به وسیله رشته‌کوه‌های بلند هیمالیا و هندوکش از خاک اصلی قاره آسیا جدا می‌گردد. این سرزمین دارای تنوع آب و هوایی و پستی‌ها و بلندی‌های بسیار می‌باشد. جنگل‌های انبوه، دشت‌های حاصلخیز، رودخانه‌های بزرگ و پر آب با شعب متعدد آن را دارای چهره‌ای بسیار متنوع ساخته است. تنوع جغرافیایی هند با تنوع جمعیتی آن نیز همراه بوده است. لذا تمامی سرزمین هند در مرحله پیدایش تمدن و نیز سیر تاریخ آن سرزمین وضعیت یکسانی نداشته است. دره رودخانه سند و نواحی شمالی هند که در مجاورت فلات ایران قرار دارد و از این طریق با بین‌النهرین در ارتباط بوده، خاستگاه اولیه تمدن هند است.

۳. پیدایش نخستین تمدن‌ها در هند

در حدود ۲۵۰۰ ق.م شهرنشینی در کناره‌های رود سند آغاز شد. اطلاعات ما از این تمدن پراکنده و ناقص است. اما به نظر می‌آید که سازندگان تمدن هند در ۲۵۰۰ ق.م مهاجرانی از آسیای غربی بوده‌اند.

مهم‌ترین آثار تمدن دره سند از دو شهر هاراپا و موهنجودارو به دست آمده‌اند. هیچ یک از این دو شهر از تبدیل روستا به شهر یعنی جریان طبیعی پیدایش شهرهای قدیمی به وجود نیامده‌اند. آنها دارای خیابان‌های عریض با مهندسی ماهرانه و سیستم آبرسانی و حمام و نظایر آن بوده‌اند. به همین جهت باستان‌شناسان، پیدایش این دو شهر را به دست مهاجران و مهاجمان به دره سند دانسته‌اند. آجرهایی که در ساختن بناها به کار برده شده یک شکل، یک اندازه و پخته هستند که به آجرهای بدست آمده از سومر بسیار شبیه می‌باشند [۱، صص. ۵۵-۵۶] مجسمه‌های یافت شده در نین دوواری بلوچستان جنوبی مربوط به دوره هاراپا، مجسمه‌های کوچکی هستند که چشم و اندازه مجسمه‌ها شبیه به مجسمه‌های سومری است [۲، ص. ۷۶]. این شواهد حاکی از آن است که شاید گروهی از مهاجران به دره سند سومریان باشند. « زیرا دانشمندان معتقدند که سومریان تا دره سند انتشار پیدا کرده‌اند» [۳، ص. ۱۱]. ساکنان اولیه دره سند (دراویدی‌ها) که دارای پوست تیره، موهای سیاه، جمجمه‌های کشیده و بینی پهن هستند را شبیه به سومریان می‌دانند. « حتی امروزه نیز می‌توان نشانه‌هایی از این اقوام را در میان ساکنان شرق افغانستان، بلوچستان و نواحی پیرامون رود سند مشاهده کرد» [۴، ص. ۱۶]. روابط تجاری دره سند با بین‌النهرین عامل دیگری است در شباهت تمدن دره سند با سومر. تمدن دره سند هم به شکل مستقیم از طریق دریا و هم به شکل غیرمستقیم از طریق نجد ایران با بین‌النهرین در ارتباط بوده است. شاید به همین دلیل است که برخی از دانشمندان معتقدند که سرزمین «ملوکا» که در چندین سند بین‌النهرینی یافت شده و از طریق دریا با سومر راه داشته، ممکن است واژه‌ای سومریایی به معنای هاراپایی باشد [۵، ص. ۲۴].

« از دره سند عقیق سرخ و سفالهای دکمه‌دار به دره فرات وارد و از بین‌النهرین قیر به دره سند فرستاده می‌شد» [۶، صص. ۳۵-۳۶]. شاید به همین دلیل تمدن هاراپا با شهرهای خوش ترکیب، خانه‌های راحت آجری، کوزه‌های سفالین منقوش جذاب و مهرهایی که با ظرافت حکاکی شده‌اند به نحوی شگفت‌آور خاطره تمدن سومری را به یاد می‌آورند [۷، ص. ۲۰۷].

۴. دین در دره سند

هنگامی که مهاجران به دره سند وارد شدند با دهکده‌ها و جوامعی روبه رو شدند که زندگی آنان به کشاورزی، حاصلخیزی و باروری خاک وابسته بود و مذهب در بین آنان بر شعائر کشاورزی و پرستش الهه مادر تمرکز داشت.

پیکرک‌های کوچکی از این الهه که در کاوش‌های صورت گرفته از این مناطق بدست آمده، گویای این مسئله می‌باشد. بنابراین دین در بین شهرهایی که در دره سند بر پایه کشاورزی تشکیل شدند نیز بر شعائر کشاورزی و پرستش الهه مادر استوار شد. مجسمه‌های برهنه و نیمه برهنه‌ای که از زنان در منطقه هاراپا بدست آمده گویای این اعتقاد در بین آنان است. گفته شده این مجسمه‌ها احتمالاً تمثال الهه مادر بوده و تعدادشان چندان زیاد است که می‌توان تصور کرد که تقریباً هر خانه‌ای یکی از آنها داشته است. این مجسمه‌ها، خشن و

مطالعات میانه رتبه ای علوم انسانی و اسلامی ایران

11th International Conference on
Interdisciplinary Studies in Humanities
and Islamic Sciences of IRAN

ناشیانه ساخته شده‌اند و باید چنین تصور کرد که الهه مادر در طبقات بالای جامعه که بهترین صنعتگران را در اختیار داشته‌اند چندان مورد نظر نبوده است. از این رو پیکره او را کوزه‌گران به تعداد زیادی می‌ساختند تا نیاز مردم عادی را برطرف نمایند [۸، ص. ۳۲]. به دلیل اینکه از مردم هاراپا و موهنجودارو، ادبیات، اسطوره و حماسه‌های مذهبی باقی نمانده است اطلاعات ما در مورد مذهب آنان بسیار کم است و ما نمی‌توانیم به طور یقین در رابطه با دین، اعتقادات و آیین‌های مذهبی آنان سخن برانیم. قطعاً آنان نیز همانند سایر جوامع کشاورز اسطوره‌ها و آیین‌های دینی داشته‌اند که با کار کشاورزی و باروری و حاصلخیزی زمین در ارتباط بوده است.

۵. رواج رسم تقدیم دختران به معابد در تمدن دره سند

رواج احتمالی رسم تقدیم دختران به معابد در تمدن دره سند را می‌توان در چارچوب ارتباط‌های گسترده فرهنگی و تجاری این تمدن با سرزمین بین‌النهرین بررسی کرد. برخی پژوهشگران بر این باورند که مهاجرت یا نفوذ گروه‌هایی از نواحی غربی که خاستگاه آنان با جهان سومری پیوند داده می‌شوند، همراه با مناسبات گسترده اقتصادی و دریایی میان دره سند و بین‌النهرین، احتمالاً زمینه را برای انتقال بخشی از اسطوره‌ها، باورها و آیین‌های مذهبی مرتبط با باروری و حاصلخیزی فراهم ساخته است؛ اسطوره‌ها، باورها و آیین‌هایی که با شیوه معیشت کشاورزی ساکنان بومی دره سند سازگاری داشت و از این رو می‌توانست با اعتقادات بومی آنان درآمیزد و به تدریج در ساختار دینی این تمدن جای گیرد.

در میان اسطوره‌های بین‌النهرینی، روایت اینانا و دموزی از جایگاهی ویژه برخوردار است. اینانا، الهه عشق، باروری، جنگ و قدرت آسمانی در سنت سومری در بسیاری از متون با دموزی شبان ایزدگونه و نماد رویش و باروری طبیعت پیوند می‌یابد. بر اساس این اسطوره اتحاد اینانا و دموزی نه صرفاً رابطه‌ای شخصی، بلکه نمادی کیهانی از پیوند نیروهای زنانه و مردانه و ضامن باروری زمین، فراوانی محصولات کشاورزی و تداوم حیات تلقی می‌شد. مرگ و بازگشت دموزی نیز در متون سومری بازتابی از چرخه‌های طبیعت، خشکی و رویش دوباره زمین به شمار می‌آمد. از این رو برخی آیین‌های وابسته به این اسطوره با مفاهیم باروری، زایش و تقدس پیوند خورده و در پژوهش‌های مربوط به ادیان خاور نزدیک باستان گاه در ارتباط با آیین‌های جنسی و مناسک باروری مورد توجه قرار گرفته‌اند.

با وجود این، برای تأیید رواج رسم تقدیم دختران به معابد در دره سند نمی‌توان تنها به فرضیه انتقال فرهنگی یا شباهت‌های اسطوره‌ای بسنده کرد، بلکه لازم است معابد آن دوران نیز مورد بررسی قرار گیرند. اما پژوهش در این زمینه با دشواری مهمی روبه‌روست؛ زیرا بخش عمده‌ای از معابد و بناهای مذهبی اصلی تمدن دره سند از میان رفته است. علت این امر را غالباً استفاده از مصالح ناپایدار، به‌ویژه چوب، در محیط مرطوب و فرسایش‌پذیر آن نواحی دانسته‌اند [۹، ص. ۶۱۷]. از این رو، پژوهشگر ناگزیر است تحلیل خود را بر شمار اندک آثار و شواهد باستان‌شناختی باقی‌مانده از آن دوران استوار سازد.

مطالعات میانه‌رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی ایران

11th International Conference on
Interdisciplinary Studies in Humanities
and Islamic Sciences of IRAN

شواهد باستان‌شناختی کشف شده در محوطه‌های درهٔ سند نیز بر اهمیت الههٔ مادر و آیین‌های باروری دلالت دارند. کشف مجسمه‌های متعدد الههٔ مادر، همراه با مهرهای هاراپایی که تصاویر خدایانویی عریان را نشان می‌دهند که گیاهی از رحم او روییده و انسانی در برابرش قربانی می‌شود [۱۰، صص. ۱۳-۱۴]، از وجود باورها و مناسکی مرتبط با حاصلخیزی و باروری در این تمدن حکایت دارد. افزون بر این، مجسمهٔ مفرغی دختر رقص موهنجودارو با آرایش موی پیچیده، حالت ایستادن خاص و پوشش محدود (گردنبند و دستبند)، از دیدگاه برخی پژوهشگران اثری منحصر به فرد در هنر تمدن‌های باستان به شمار می‌رود [۸، ص. ۳۱]. بر همین اساس، شماری از محققان این پیکره را بازنمایی زنی مرتبط با آیین‌های مذهبی و مناسک باروری دانسته و این احتمال را مطرح کرده‌اند که نمادی از یک روسپی آیینی بوده است [۱۱، ص. ۲۰۱]. هرچند این برداشت همچنان در حد یک فرضیه است و از شواهد قطعی برخوردار نیست، اما در کنار دیگر شواهد تاریخی و باستان‌شناختی می‌تواند در تبیین فرضیهٔ رواج رسم تقدیم دختران به معابد و آیین‌های وابسته به باروری در تمدن درهٔ سند مورد توجه قرار گیرد.

شمار اندک شواهد باستان‌شناختی امکان بازسازی کامل باورهای مذهبی مردم درهٔ سند را فراهم نمی‌کند. از این‌رو، مطالعهٔ تطبیقی دین برهمنی و هندوئیسم متأخر نیز می‌تواند در تفسیر این شواهد و بازسازی برخی جنبه‌های نظام اعتقادی این تمدن سودمند باشد؛ زیرا هرگاه با داده‌های محدود موجود در پی بازسازی دین درهٔ سند برمی‌آییم، پاره‌ای از عناصر و الگوهای آیینی آن یادآور برخی جنبه‌های سنت‌های دینی برهمنی و هندوئیسم متأخر است. از این منظر، برخی پژوهشگران بر این باورند که مذهب شیوایی، که ریشه‌های آن را در سنت‌های دینی درهٔ سند جست‌وجو کرده‌اند، به تدریج در آیین برهمنی نفوذ یافته است [۱۲، ص. ۲۲۰]. در این مذهب، شیوا نه تنها خدای مرگ و ویرانی، بلکه سرچشمهٔ آفرینش، تجدید حیات و باروری نیز به شمار می‌رود. برهمنان بر این باور بودند که جهان با رقص آفرینش شیوا پدید می‌آید و با رقص ویرانگر او پایان می‌یابد؛ از همین‌رو، وی را غالباً در حال رقص به تصویر کشیده‌اند [۱۳، ص. ۶۰]. پیوند نمادین شیوا با رقص، آفرینش، ویرانی و باروری، در کنار استمرار سنت اجرای آواز، موسیقی و رقص در معابد هند که امروزه بخش مهمی از آن توسط دوداسی‌ها (خدمتکاران زن خدا) انجام می‌شود [۱۴، ص. ۲۸] می‌تواند در چارچوب مطالعهٔ تطبیقی در تفسیر شواهد مربوط به تمدن درهٔ سند سودمند باشد.

همچنین گسترش نهاد دوداسی، به‌ویژه در معابد جنوب هند که بخش مهمی از جمعیت آن را دراویدی‌ها به‌عنوان میراث‌داران سنت‌های بومی تشکیل می‌دهند و پیوند عمیقی با آیین‌های باروری و رقص‌های آیینی دارند، این احتمال را تقویت می‌کند که بخشی از سنت‌های مذهبی و مناسک باروری رایج در تمدن درهٔ سند پس از درهم‌آمیزی با سنت‌های دینی هندوآریایی در قالب برخی مناسک معابد هند استمرار یافته باشد. با این حال، این قرائن به تنهایی دلیلی قطعی بر تداوم مستقیم یا یکسانی کامل این سنت‌ها محسوب نمی‌شوند، بلکه بیشتر می‌توانند نشانه‌ای از استمرار برخی الگوهای فرهنگی و مذهبی در شبه قارهٔ هند باشند.

مطالعات میانه رتبه ای علوم انسانی و اسلامی ایران

11th International Conference on
Interdisciplinary Studies in Humanities
and Islamic Sciences of IRAN

۶. استیلای آریایی‌ها بر درهٔ سند

قبایلی که حدود ۱۵۰۰ ق.م به درهٔ سند هجوم آوردند از قبایل هندو آریایی بودند. آریایی‌های مهاجم مردمی دامدار و جنگاور بودند که زندگی صحراگردی و چادرنشینی داشتند. آنان پس از تصرف درهٔ سند و نابودی شهرها و روستاها به سوی درهٔ گنگ به حرکت درآمدند و پس از چندی توانستند سراسر شمال هند را متصرف شوند. آریایی‌ها مدت طولانی در شمال هند به تاخت و تاز و کسب متصرفات مشغول بودند و تلاش فراوانی برای درهم شکستن مقاومت ساکنان آن نواحی نمودند. در نتیجه اقدامی برای بنیان نهادن زندگی شهرنشینی انجام ندادند. از آنجا که آنان فاقد خط بودند، اطلاعات دقیقی از تاریخ آن دوران به جای نگذاشته‌اند. تنها به وسیلهٔ «کتاب‌های ودا» می‌توانیم از فرهنگ آنان اطلاعاتی به دست آوریم.

Devadasi از دو کلمهٔ deva به معنی خدا و dasi به معنی برده یا زن خدمتکار گرفته شده است بنابراین هر devadasi بندهٔ خداست [۱۵، ص. ۵۰] دربارهٔ ریشهٔ واژگانی دواداسی این فرضیه مطرح است که شاید این واژه از داسه که گویا نمایندهٔ بازماندگان فرهنگ هاراپا بودند و در سنسکریت به معنای غلام و برده است و مؤنث آن به شکل داسی به معنای کنیز به کار رفته است گرفته شده باشد [۸، ص. ۴۸]. در متون ودایی، «داسه‌ها» اغلب به عنوان دشمنان خدایان معرفی شده‌اند و آنها محتملاً مظهر نیروی مقاوم بومی در برابر توسعهٔ آریایی‌ها بوده‌اند [۱۶، ص. ۴۸۱]. برخی محققان آنان را همان دراویدی‌هایی میدانند که به دلیل رنگ پوست تیره به «داسیوس» معروفند [۱۰، ص. ۱۵].

۷. عصر ودایی

از آنجایی که تنها اثر باقی مانده از آریایی‌های اولیهٔ ساکن درهٔ سند «کتب مقدس ودا» است که در فاصلهٔ سالهای ۱۵۰۰ تا ۱۰۰۰ ق.م نوشته شده است، این دوره از تاریخ هند به عصر ودایی موسوم می‌باشد. در این عصر آریایی‌های هند و ایران با هم زندگی می‌کردند و یا اینکه تازه از هم جدا شده بودند.

ریگودا بازتاب‌دهنده‌ی خاطره‌ی هم‌زیستی آریایی‌هایی است که روزگاری با یکدیگر می‌زیستند یا به تازگی از یکدیگر جدا شده بودند [۱۷، ص. ۴۳۴]. از این‌رو، با استناد به محتوای این کتاب می‌توان به بخشی از باورها، آیین‌ها و آداب‌ورسوم آنان در آن دوره پی برد.

بر اساس شواهد موجود در ریگودا، دین هندوآریایی‌ها در آغاز بر پرستش طبیعت استوار بود که به منزله‌ی معتقدات ابتدایی بشر اولیه است. آنان به عناصر طبیعی جنبه‌ی خدایی می‌دادند. خدایان باستانی ودایی همان عناصر طبیعی بودند. عناصری که بسیاری از آنان نزد آریایی‌ها پرستش می‌شد؛ آسمان، زمین، خورشید، آتش، آب و باد بود. گذشته از این خدایان، در ریگودا از خدایان متعددی دیگر نیز یاد شده است. «آگنی» برای مدت زمان بسیاری بزرگترین خدای ودایی بود. زیرا آریایی‌ها، پیدایش آتش بین انسانها را بزرگ‌ترین هدیه‌ی آسمانی تعبیر می‌کردند [۱۸، ص. ۱۲۷]. قربانی و نثار هدیه به خدایان در آیین ودایی همانند سایر مذاهب و ادیان باستانی وجود داشت. گفته شده در عصر ودایی مردم اعتقاد به ساختن معابد برای خدایان خود نداشتند و عبادت خدایان خود را در فضای آزاد انجام می‌دادند. مذبح را برای هر قربانی از نو برپا می‌کردند و معتقد بودند هدیه را آتش مقدس به آسمان می‌برد [۱۹، ص. ۴۶۹]. با توجه به اینکه آریایی‌ها در عصر ودایی برای خدایان خود معبدی نمی‌ساختند و خدایان خود را در فضای آزاد پرستش می‌کردند؛ بنابراین نمی‌تواند رسم تقدیم دختران به معابد در بین آنان رواج داشته باشد.

۸. وجود رسم تقدیم دختران به معابد هندوستان در دوران پساودایی (برهمنی و هندوئی)

وجود رسم تقدیم دختران به معابد هندوستان پس از دوران ودایی را می‌توان در پرتو مجموعه‌ای از عوامل تاریخی، دینی و اجتماعی مورد بررسی قرار داد. به نظر می‌رسد استمرار و گسترش این رسم در دوره‌ی برهمنی و سپس هندوئی حاصل تعامل و درهم‌آمیزی باورهای بومی تمدن دره‌ی سند با اعتقادات هندوآریایی و نیز تحول تدریجی ساختارهای دینی و اجتماعی هند بوده است. مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تداوم این سنت را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

الف) درهم‌آمیزی باورهای بومی دره‌ی سند با اسطوره‌های هندوآریایی

با استقرار آریایی‌ها در شبه قاره‌ی هند طی هزاره‌ی نخست پیش از میلاد و غلبه‌ی آنان بر ساکنان بومی دره‌ی سند و اقوام دراویدی، بخشی از عناصر فرهنگی و مذهبی تمدن مغلوب در نظام اعتقادی فاتحان جذب شد. در میان این عناصر، باورهای مربوط به باروری، حاصلخیزی زمین و آیین‌های وابسته به آن جایگاهی ویژه داشت؛ به گونه‌ای که این سنت‌های بومی به تدریج با اسطوره‌ها و باورهای هندوآریایی درباره‌ی آفرینش، باروری و تداوم حیات درآمیخت و به صورت بخشی از نظام دینی جدید درآمد.

بر اساس یکی از اسطوره‌های هندوآریایی، اژدهایی فرمانروای جهان است و در نتیجه‌ی سلطه‌ی او، خشکسالی سراسر سرزمین را فرا گرفته است. در این هنگام، پهلوانی ایزدی ظهور می‌کند، دژی را که اژدها در آن پناه گرفته است فتح می‌نماید و بر او غلبه می‌کند. سپس آب‌هایی را که اژدها در پشت دژ محبوس ساخته بود آزاد می‌کند و

زنانی را که در حرمرای او به اسارت درآمده‌اند رهایی می‌بخشد. با شکست اژدها باران بار دیگر بر زمین فرو می‌بارد، طبیعت جان تازه می‌یابد و حاصلخیزی به سرزمین بازمی‌گردد. در ادامه خدای جوان با زنانی که از بند رهایی یافته‌اند، آیین «ازدواج مقدس» را به جا می‌آورد؛ پیوندی نمادین که تجدید حیات طبیعت، احیای باروری و استمرار چرخه زندگی را بازآفرینی می‌کند.

در پرتو این روایت اسطوره‌ای، می‌توان این احتمال را مطرح کرد که رسم تقدیم دختران به معابد هندوستان دورهٔ پسوادایی، که امروزه برخی پژوهشگران آن را با رسم روسپیگری آیینی در معابد مرتبط می‌دانند بازتابی از همین اندیشهٔ اسطوره‌ای بوده باشد. بر این اساس، دختران تقدیم شده به معابد در جایگاه همسران نمادین پهلوان ایزدی ازدواج مقدس قرار می‌گرفتند و مشارکت آنان در مناسک مذهبی به صورت نمادین در تأمین باروری، حاصلخیزی زمین و تداوم نظم کیهانی معنا می‌یافت [۲۰، ص. ۷۹، ۷۰].

ب) تأثیر سنت‌های مذهبی دراویدی بر آیین‌های باروری

در کنار تأثیر اسطوره‌های هندوآریایی بر تکوین و تحول آیین‌های مرتبط با باروری، به نظر می‌رسد برخی از سنت‌های مذهبی برجای مانده از تمدن درهٔ سند و اقوام دراویدی نیز در شکل‌گیری و تداوم این آیین‌ها نقش مؤثری داشته‌اند. یکی از مهم‌ترین این سنت‌ها، پرستش آلت تناسلی مردانه است که پیشینهٔ آن به دوران پیش از ورود آریایی‌ها به شبه قارهٔ هند بازمی‌گردد. این آیین در گذر زمان و در پی تعامل و هم‌آمیزی فرهنگی میان آریایی‌ها و ساکنان بومی به تدریج در نظام اعتقادی هندوآریایی نفوذ کرد و با باورهای آنان دربارهٔ باروری، زایش و حاصلخیزی زمین درآمیخت.

در این سنت، آلت تناسلی مردانه صرفاً نماد قوهٔ جنسی تلقی نمی‌شد بلکه تجسم نیروی آفرینش، زایش و تداوم حیات به شمار می‌رفت؛ از این رو، پرستش آن در قالب مناسک دینی با مفاهیم باروری انسان، حاصلخیزی زمین و فراوانی محصولات کشاورزی پیوندی ناگسستنی داشت. همین هم‌سویی مفهومی با آیین‌های باروری، زمینه را برای پذیرش و استمرار این باور در میان آریایی‌ها فراهم ساخت.

بر این اساس، می‌توان احتمال داد که نفوذ این سنت دراویدی، در کنار اسطوره‌های هندوآریایی مرتبط با ازدواج مقدس و باروری در شکل‌گیری یا گسترش برخی مناسک مذهبی وابسته به معابد نیز نقش داشته باشد. در چنین چارچوبی رسم تقدیم دختران به معابد را می‌توان یکی از جلوه‌های مناسک باروری دانست که همانند نمونه‌های شناخته شده در برخی دیگر از تمدن‌های باستانی با هدف نمادین تضمین باروری و حاصلخیزی زمین تداوم می‌یافت [۲۱، ص. ۳۶].

ج) نفوذ مذهب شیوایی و تداوم آیین‌های باروری

عامل دیگری که احتمالاً در تداوم رسم تقدیم دختران به معابد هندوستان دورهٔ پسوادایی نقش داشته، نفوذ تدریجی مذهب شیوایی در میان برهمنان است. پس از پایان دوران ودایی، روحانیان برهمن به تدریج از چارچوب

آیین‌های صرفاً قربانی محور فاصله گرفتند و با گرایش به تأملات فلسفی، در پی تبیین منشأ آفرینش، حقیقت هستی و رابطه انسان با جهان برآمدند [۱۳، ص. ۴۹]. این تحول فکری، زمینه را برای گسترش مذهب شیوایی و تقویت جایگاه مفاهیم آفرینش، باروری، تجدید حیات و حاصلخیزی در سنت دینی هند فراهم ساخت.

از آنجا که این مفاهیم در آیین شیوایی جایگاهی محوری داشتند، بسیاری از مناسک وابسته به باروری نیز در بستر این مذهب استمرار یافتند. از این‌رو، می‌توان احتمال داد که بخشی از آیین‌های باروری رایج در میان ساکنان بومی دره سند پس از درهم‌آمیزی با سنت‌های دینی برهمنی در قالب آیین‌های شیوایی به حیات خود ادامه داده باشند. در چنین چارچوبی، اگر رسم تقدیم دختران به معابد را یکی از اجزای مناسک باروری تمدن دره سند بدانیم، می‌توان احتمال داد که این رسم در برخی معابد هندوستان دوره پسوادی نیز حفظ شده باشد.

د نقش نظام کاست در تداوم نهاد دواداسی

عامل دیگری که می‌توان آن را در تبیین تداوم رسم تقدیم دختران در معابد هندوستان مؤثر دانست، شکل‌گیری نظام طبقاتی یا نظام کاست پس از استقرار آریایی‌ها در شبه قاره هند است. با غلبه آریایی‌ها بر ساکنان بومی دره سند آنان خود را نژادی برتر دانسته و نخستین تمایز اجتماعی را بر پایه تفاوت میان آریایی و غیرآریایی بنیان نهادند. این نگرش به تدریج به شکل‌گیری نظامی طبقاتی انجامید که در آن جامعه هند بر اساس جایگاه اجتماعی و وظایف دینی و اقتصادی به طبقات مشخصی تقسیم شد.

در این نظام، جامعه آریایی به چهار طبقه اصلی شامل حکمرانان و جنگجویان، کاهنان یا برهمنان، بازرگانان و مالکان، و کشاورزان تقسیم می‌شد. هر یک از این طبقات از نظر شغل، آداب و رسوم، ازدواج و جایگاه اجتماعی دارای مرزهای مشخصی بودند و موقعیت افراد به صورت موروثی تعیین می‌شد؛ از این‌رو، امکان جابه‌جایی از یک طبقه به طبقه دیگر عملاً وجود نداشت. افزون بر این، هر یک از طبقات چهارگانه خود به گروه‌های کوچک‌تری تقسیم می‌شدند که هر یک «کاست» نامیده می‌شد و عضویت در آنها نیز امری موروثی و تغییرناپذیر به شمار می‌رفت. توجیه دینی این ساختار نیز بر پایه برخی آموزه‌های هندوئی شکل گرفته بود که تفاوت جایگاه انسان‌ها را ناشی از تفاوت در آفرینش آنان می‌دانست.

پژوهش‌های معاصر نشان می‌دهد که نظام کاست در شکل‌گیری و تداوم نهاد دواداسی نیز نقشی اساسی داشته است. بررسی‌های انجام‌شده در جنوب هند بیانگر آن است که بخش عمده دواداسی‌ها از کاست‌های فرودست یا گروه‌های موسوم به «نچس‌ها» بودند؛ از این‌رو، شناخت نهاد دواداسی بدون توجه به جایگاه اجتماعی این گروه‌ها در نظام کاست امکان‌پذیر نیست. تعلق به کاست‌های پایین، در بسیاری از موارد، پیش‌شرط ورود دختران به این نهاد محسوب می‌شد و آنان پس از تقدیم به معابد در اختیار ساختار مذهبی قرار می‌گرفتند.

در این نظام دختران نه تنها به اعضای ثروتمند طبقات بالای جامعه، بلکه به کاهنان، به‌ویژه کاهن اعظم معبد یا روستا نیز تقدیم می‌شدند. این امر بر این باور استوار بود که کاهنان به عنوان نمایندگان خدایان بر روی زمین، حق تصرف در تمامی نذورات و هدایای تقدیم شده به معابد را دارند. از آنجا که هر آنچه به یک خدا تقدیم

مطالعات میانه رتبه ای
علوم انسانی و اسلامی ایران11th International Conference on
Interdisciplinary Studies in Humanities
and Islamic Sciences of IRAN

می‌شد در عمل در اختیار کاهنان قرار می‌گرفت، دختران نذر شده نیز بخشی از اموال و نذورات معبد تلقی می‌شدند و تحت نظارت و اختیار نهاد دینی قرار می‌گرفتند [۲۱، ص. ۴۱، ۳۷].

تأثیر این عوامل را می‌توان در تداوم نهاد دوداسی در معابد هند تا روزگار متأخر مشاهده کرد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که این سنت تا قرن بیستم میلادی در معابد ایالت‌های مختلف هند استمرار داشته است. هرچند نشانه‌هایی از وجود آن در سده‌های نخست میلادی از جمله در ایالت‌هایی مانند «یلاما»^۱ دیده می‌شود، اما به نظر می‌رسد که این نهاد از حدود قرن ششم میلادی در بیشتر معابد هند گسترش یافته باشد. یکی از مهم‌ترین شواهد این امر اشارات موجود در متون مقدس «پوران»^۲ است که در این دوره تدوین شدند. این متون نه تنها به حضور دختران آوازه‌خوان در مراسم عبادی معابد اشاره می‌کنند، بلکه فراهم کردن مقدمات به‌کارگیری آنان و حتی خرید دختران زیبارو و تقدیم آنان به معابد را نیز توصیه می‌کنند. این امر احتمالاً بیانگر آن است که رسم تقدیم دختران به معابد در این دوره جایگزین برخی آیین‌های کهن‌تر از جمله قربانی انسان برای جلب رضایت خدایان و تضمین برکت و حاصلخیزی جامعه شده بود [۲۱، ص. ۳۵].

دوداسی‌ها افزون بر انجام وظایف دینی، از جایگاه هنری نیز برخوردار بودند. آنان موظف بودند روزانه در آیین‌های عبادی معابد با اجرای آواز، موسیقی و رقص، در بزرگداشت خدایان مشارکت کنند. همچنین به نظر می‌رسد برخی از آنان به صورت دائم در معابد اقامت داشتند و برخی دیگر مجاز بودند با مردان آمیزش جنسی داشته باشند، مشروط بر آنکه بخشی از درآمد خود را به کاهنان و مقامات روحانی معابد بپردازند. جایگاه اجتماعی این زنان نیز در جامعه هند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود؛ به‌گونه‌ای که در کنار زنان اشراف‌زاده، تنها آنان از حق آموزش و فراگیری هنر برخوردار بودند [۲۲، ص. ۴۵، ۴۴]. با این همه، ظاهراً تنها در صورت باردار شدن امکان رهایی آنان از خدمت در معابد فراهم می‌شد [۲۳، ص. ۳۹].

بررسی عوامل یادشده نشان می‌دهد که رواج رسم تقدیم دختران به معابد هندوستان دوره پسوادایی را نمی‌توان معلول یک عامل واحد دانست، بلکه این پدیده حاصل پیوند و تأثیر متقابل باورهای دینی، اسطوره‌ای، سنت‌های فرهنگی و اجتماعی، شکل گرفته و تداوم یافته است. درهم‌آمیزی باورهای بومی دره سند با اسطوره‌های هندوآریایی، تداوم آیین‌های باروری، نفوذ مذهب شیوایی در سنت برهمنی و شکل‌گیری نظام کاست، هر یک به گونه‌ای در شکل‌گیری و استمرار این سنت نقش داشته‌اند.

از این منظر، نهاد دوداسی را می‌توان نه پدیده‌ای مستقل، بلکه بازتاب تحول و استمرار بخشی از آیین‌های باروری در بستر تحولات دینی و اجتماعی هند دانست. هرچند محدودیت شواهد، دستیابی به داوری قطعی را دشوار می‌سازد، اما مجموع شواهد تاریخی، اسطوره‌ای و تطبیقی این احتمال را تقویت می‌کند که سنت‌های مرتبط با باروری و حاصلخیزی پس از فروپاشی تمدن دره سند در فرآیند تعامل با سنت‌های هندوآریایی در قالب نهاد دوداسی و برخی مناسک معابد هندوستان تداوم یافته باشند.

^۱ Yellamma^۲ Purana

نتیجه گیری

بررسی شواهد تاریخی، یافته‌های باستان‌شناختی، داده‌های اسطوره‌شناختی و مطالعه تطبیقی سنت‌های دینی نشان می‌دهد که خاستگاه رسم تقدیم دختران به معابد در هند باستان را نمی‌توان مستقل از ارتباط‌های گسترده تمدن دره سند با تمدن‌های بین‌النهرین، به‌ویژه سومر، تبیین کرد. مناسبات تجاری و فرهنگی میان این دو حوزه همراه با احتمال مهاجرت گروهی از سومریان به دره سند، زمینه انتقال بخشی از باورها و آیین‌های مرتبط با باروری و حاصلخیزی را فراهم ساخت؛ آیین‌هایی که با شیوه معیشت کشاورزی و نظام اعتقادی ساکنان بومی این سرزمین سازگاری داشت و به تدریج در ساختار دینی آنان جای گرفت. یافته‌های باستان‌شناختی، از جمله فراوانی پیکرک‌های الهه مادر، مهرهای هاراپایی با مضامین باروری و مجسمه برنزی دختر رقص موهنجودارو، از اهمیت جایگاه آیین‌های باروری در تمدن دره سند حکایت دارند. هرچند این شواهد به تنهایی وجود رسم تقدیم دختران به معابد را اثبات نمی‌کنند، اما در کنار اسطوره‌های مربوط به باروری و ازدواج مقدس و نیز شباهت‌های موجود با سنت‌های مذهبی بین‌النهرین، فرضیه رواج چنین آیین‌هایی را در این تمدن تقویت می‌کنند. از سوی دیگر، بررسی تحولات دینی و اجتماعی هندوستان پس از استقرار آریایی‌ها نشان می‌دهد که تداوم این رسم را باید حاصل تعامل چندین عامل دانست. درهم آمیزی باورهای بومی دره سند با سنت‌های هندوآریایی، استمرار آیین‌های باروری در قالب سنت‌های دینی جدید، نفوذ تدریجی برخی عناصر بومی در آیین برهمنی و در نهایت شکل‌گیری نهاد دواداسی در بستر ساختار مذهبی و اجتماعی هند. همچنین نظام کاست با فراهم آوردن زمینه‌های اجتماعی و مذهبی لازم در تثبیت و گسترش این نهاد در دوره‌های بعدی سهم مهمی ایفا کرده است. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که رسم تقدیم دختران به معابد در هند باستان محصول تعامل مجموعه‌ای از عوامل تاریخی، فرهنگی، دینی و اجتماعی بوده است و نمی‌توان آن را به یک عامل یا یک دوره تاریخی خاص محدود کرد. اگرچه محدود بودن شواهد موجود، دستیابی به داوری قطعی را دشوار می‌سازد، اما مجموع داده‌های تاریخی، باستان‌شناختی، اسطوره‌ای و تطبیقی از این فرضیه حمایت می‌کند که بخشی از آیین‌های مرتبط با باروری و حاصلخیزی، پس از انتقال احتمالی از سنت‌های مذهبی بین‌النهرین و درهم آمیزی با باورهای بومی دره سند، در جریان تحولات دینی و اجتماعی هند در قالب نهاد دواداسی و برخی مناسک معابد تا دوره‌های متأخر به حیات خود ادامه داده‌اند.

فهرست منابع

۱. خیراندیش، ع. (۱۳۷۶)، "تاریخ جهان"، تهران، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی مراکز تربیت معلم.

۲. رواسانی، ش. (۱۳۷۰)، "جامعه بزرگ شرق"، تهران، شمع.

۳. سجادی، م. ع. (۱۳۶۵)، "نیاکان سومری ما"، تهران، بنیاد نیشابور.
۴. کمرون، ج.گ. (۱۳۹۶)، "ایران در سپیده دم تاریخ"، ترجمه حسن انوشه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. ناردو، دان. (۱۳۸۸)، "هند باستان"، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس.
۶. بهمنش، ا. (۱۳۴۷)، "تاریخ ملل قدیم آسیای غربی از آغاز تا روی کارآمدن پارس‌ها"، تهران، دانشگاه تهران.
۷. رو، ژ. (۱۳۶۹)، "بین‌النهرین باستان"، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، آبی.
۸. لولیم بشم، آ. (۱۴۰۱)، "هند باستان"، ترجمه فریدون بدره‌ای و محمود مصاحب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. رضی، ه. (۱۳۴۳)، "تاریخ تحلیلی ادیان و مذاهب در جهان از آغاز تا امروز"، کتاب سوم پیدایش فلسفه، تهران، کاوه.
۱۰. ایونس، و. (۱۳۷۳)، "شناخت اساطیر هند"، ترجمه باجلان فرخی، تهران، گلشن.
11. Bhuyan, R and Pradhan, S. (2023). *History of Devadasi in Odisha Special Reference to Sacred Prostitution*. Journal of History, Archaeology and Architecture, 2: 2, pp. 197-205.
۱۲. شایگان، د. (۱۳۸۹)، "ادیان و مکتب‌های فلسفی هند"، ج ۱، تهران، امیرکبیر.
۱۳. آریا، غ.ع. (۱۳۸۵)، "آشنایی با تاریخ ادیان"، تهران، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی پایا.
14. Kaur, G and Dr.Tariq .(2021). *DEVADASI SYSTEM -THE SACRED PROSTITUTION*, THE JOURNAL OF ORIENTAL RESEARCH MADRAS
15. Kalaivani , R (2015) . *Devadasi System in India and Its Legal Initiatives – An Analysis* . IOSR Journal Of Humanities And Social Science (IOSR-JHSS) Volume 20, Issue 2, Ver. II , PP 50-55 .

۱۶. بهار، م. (۱۳۷۵)، "پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست و پاره دوم)"، تهران، آگاه .

۱۷. مشکور، م. ج. (۱۳۷۸)، "عصر ودایی" در نامه باستان: مجموعه مقالات، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی .

۱۸. رضی، ه. (۱۳۸۴)، "دین و فرهنگ ایرانی پیش از عصر زرتشت"، تهران، سخن .

۱۹. دورانت، و. ج. (۱۳۹۹)، "تاریخ تمدن". جلد اول، مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام، عسگری پاشایی، امیرحسین

آریان‌پور، تهران: علمی و فرهنگی .

۲۰. ویدن‌گرن، گ. (۱۳۷۷)، "دین‌های ایران"، ترجمه منوچهر فرهنگ، تهران، آگاهان ایده .

21. Torri , M.C . (2009) . *Abuse of Lower Castes in South India: The Institution of Devadasi*. Journal of International Women's Studies Volume 11 Issue 2 Article 3.

22. مدنی قهفرخی، س. (۱۳۹۸)، "جامعه‌شناسی روسپیگری"، تهران، پارسه.

۲۳. سیفی، س. (۱۳۹۶)، "آیین‌های روسپیگری و روسپیگری آیینی"، لندن، مهری.

The Ritual of Dedicating Girls to Temples in Ancient India: Origin and Continuity through the Brahmanical and Hindu Periods

Abstract

This study examines the ritual of dedicating girls to temples in ancient India, with an emphasis on its origin and continuity. The evidence indicates that this ritual first emerged in the Temple of Inanna in the Sumerian city-state of Uruk and subsequently spread to other Mesopotamian civilizations and neighboring civilizations, including India. Although this ritual was considered part of the customs, traditions, and religious rites of these civilizations, no independent study has yet been conducted on the causes of the prevalence of this ritual in the temples of ancient India, its origin, the manner of its influence from Mesopotamian civilizations, and its continuity through the Brahmanical and Hindu periods. This study, adopting a descriptive-analytical approach and based on historical data, archaeological findings, and surviving myths from that period, examines the origin and continuity of the ritual of dedicating girls to temples in ancient India and seeks to answer the following questions: Why did this ritual become prevalent in the temples of this civilization? How and through what means did it reach this civilization from



Mesopotamia? What factors contributed to its continuity through the Brahmanical and Hindu periods? The findings of the study indicate that this ritual most likely reached India through commercial interactions between India and Mesopotamian civilizations, particularly Sumer, as well as through the migration of groups of Sumerians to this land. Furthermore, the dependence of the inhabitants of this land on agriculture and the importance of fertility and the fecundity of the soil provided the basis for the prevalence of this ritual in ancient India and its continuity through the Brahmanical and Hindu periods.

Keywords: Ritual of dedicating girls, Temples, Ancient India, Ancient Mesopotamia.